

کینه قار من

نالد به حال زار من امشب تار من

روز بیدار سلام ۱۳۷۲

نالد به حال زار من امشب سه تار من،
 این مایه تسلی شبهای تار من.
 ای دل ز دوستان وفادار روزگار،
 جز ساز من نبود کسی سازگار من.
 در گوشه غمی که فراموش عالمی است،
 من غمگسار سازم و او غمگسار من.
 اشک است جویبار من و ناله سه تار،
 شب تا سحر ترانه این جویبار من.
 چون نشترم بدیده خلد نوشخند ماه،
 یادش بخیر، خنجر مژگان یار من.
 رفت و به اختران سرشگم سپرد جای،
 ماهی که آسمان به ربود از کنار من.
 آخر قرار زلف تو با ما چنین نبود،
 ای مایه قرار دل بیقرار من.
 در حسرت تو میرم و دانم تو بی وفا،
 روزی وفا کنی که نیاید بکار من.

از چشم خود سیاه دلی وام می کنی،
 خواهی مگر گرو ببری از روزگار من.
 اختر بخت و شمع فرو مرد و همچنان،
 بیدار بود دیده شب زنده دار من.
 من شاهباز عرشم و مسکین تذر و خاک،
 بختش بلند نیست که باشد شکار من.
 یک عمر در شرار محبت گداختم،
 تا صیرفی عشق چه سنجد عیار من.
 جز خون دل نخواست نگارنده سپهر،
 بر صفحه جهان رقم یادگار من.
 زنگار زهر خوردم و شنگرف خون دل،
 تا جلوه کرد اینهمه نقش و نگار من.
 در بوستان طبع حزینم چو بگذری،
 پرهیز نیش خار من ای گلگذار من.
 من "شهریار" ملک سخن بودم و نبود،
 جز گوهر سرشک در این شهر، یار من.

تاریم منیم

ترجمه انده نی، ۱. مبارز
کوچورن، رعنا رنجبر

سبز لایبر احوالما صبحه قدر تاریم منیم،
 تکجه تاریم دیر قارا گونلرده غمخواریم منیم.
 چوخ وفالی دوستلاریم واردیر، یامان گون گلجه بین،
 تاردان اوزگه قالماییر یار وفاداریم منیم.
 یتر توتوب غمخانه ده، قیلدیم فراموش عالمی،
 من تارین غمخواری اولدوم، تار غمخواریم منیم.
 گوزلریمه هر تبسم سانجیلیر نشتر کیمی،
 کیریگی خنجر دی، آه، اول بی وفا یاریم منیم.
 آسمان آلدی کناریمدان آی اوزلو یاریمی،
 یاش توکر اولدوز کیمی بو چشم خونباریم منیم.
 ای بو غملی کونلومون تاب و توانی، سویله بیر،
 عهد و پیمانین نه اولدو، تولدو ایلقاریم منیم.
 "شهریار"م گر چی من سوز مولکونون سلطانیم،
 گوز یاشیمدان باشقا یوخدور در شهواریم منیم.

اختر